

نقش تربیتی نماز در پرهیز از مفاسد اقتصادی

نماز نقش بی‌بدیلی در ارائه رویکردهای عملی و اجتماعی در زندگی دارد، یکی از مهم‌ترین نقش‌های آن؛ نقش بازدارندگی و کنترل نفس سرکش است. هدف اصلی این پژوهش، بررسی نقش تربیتی نماز در پرهیز از مفاسد اقتصادی می‌باشد. در باب اهمیت و ضرورت چرایی انجام تحقیق باید توجه داشت که ارکان مهم حیات اقتصادی در جوامع بشری داد و ستد بین آن‌ها است و زندگی بدون معامله و تجارت ناممکن است و آنچه در یک جامعه به خصوص جامعه اسلامی، موجبات نگرانی را ایجاد می‌کند این است که مفاسد اقتصادی شیوع پیدا کنند و از آن نگران کننده‌تر اینکه مفاسد اقتصادی تبدیل به یک فرهنگ شوند و دیگر کسی به قبح و نادرستی آن نیندیشد، در این موقعیت حکومت تبدیل به عنصری جهت به استضعاف کشیدن حق مستمندان و عامه می‌گردد و سرانجام همین فساد موجبات نابودی آن را فراهم می‌سازد. روش پژوهش حاضر توصیفی - تحلیلی می‌باشد و چنین نتیجه‌گیری می‌شود که هر چه بیشتر به تقویت باورها و تقییدات درونی و به تبع آن به نظارت فردی و نظارت اجتماعی توجه شود، موجبات بازدارندگی از فحشا، کار ناپسند و خارج از چارچوب عرف و شرع، فراهم می‌آید و خود این امر عامل تضمین سلامت ملت است.

واژه‌های کلیدی: نماز، تربیت دینی، مفاسد اقتصادی، سلامت جامعه.

دکتر مرضیه کهنوجی

استادیار

دانشگاه ولی‌عصر علیه السلام رفسنجان

(نویسنده مسئول)

marzieh.kahnooji@yahoo.com

دکتر عباسعلی رستمی نسب

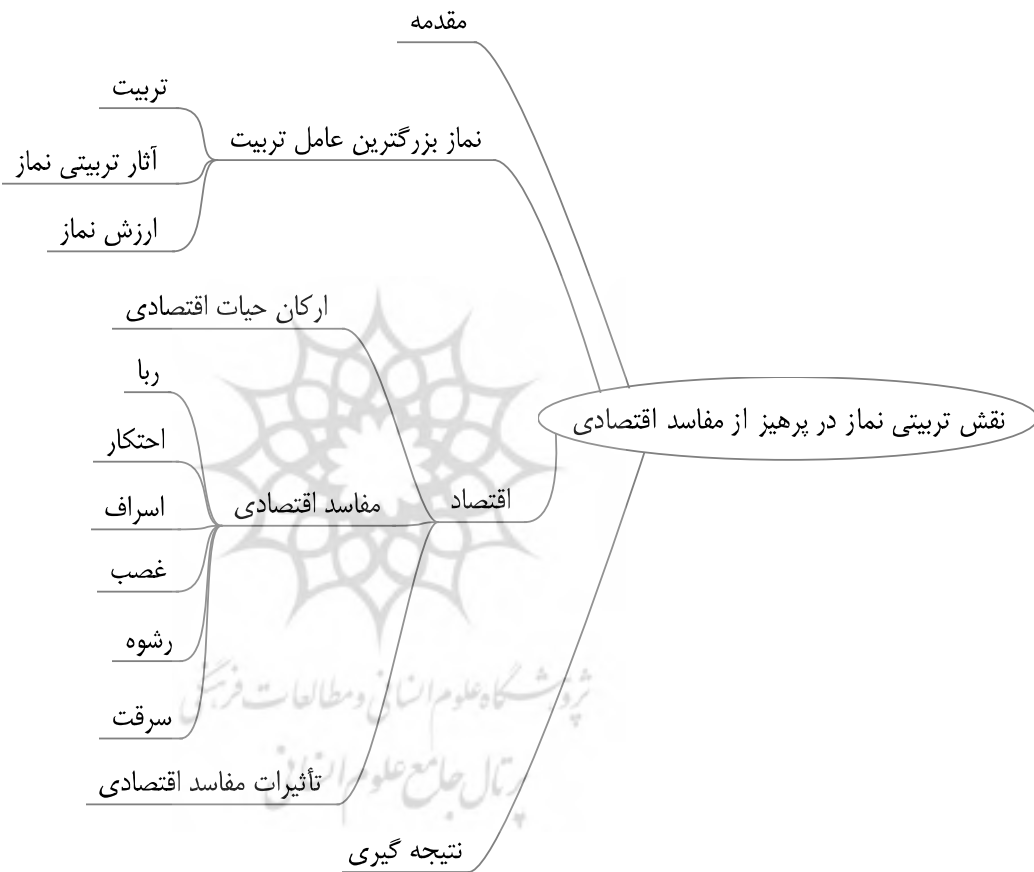
دانشیار

دانشگاه شهید باهنر

Rostaminasab@uk.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۰/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۲/۲۶



۱. مقدمه

در میان عبادات و مسائل معنوی، نماز از ارزش و اعتبار خاصی برخوردار است و به اندازه‌ای که به آن سفارش شده است، به عبادتی دیگر سفارش نشده است. نماز در زندگی و حیات انسان به اندازه‌ای ارزش دارد که اولیای خدا لحظه‌ای از آن غافل نبوده‌اند و از هر راهی که ممکن بود، دیگران را هم به این عبادت ملکوتی تشویق می‌کردند (انصاریان، ۱۳۸۵ش، صص ۱۷-۱۸).

نماز، عمود دین (پاینده، ۱۳۸۵ش، ح ۵۱۰)، مرز بین کفر و ایمان (همو، ح ۱۴۶۳)، وسیلهٔ قرب الاهی (همو، ح ۵۱۱)، معیار سنجش اعمال (همو، ح ۵۱۲) و نور مؤمن (همو، ح ۵۱۳) می‌باشد و از درخشندگی و برجستگی خاص و جایگاهی رفیع برخوردار است که بدون آن سایر اعمال انسان پذیرفته نیست (نصیرزاده و دیگران، ۱۳۹۲ش، ص ۱۵۶). نماز به عنوان ایجاد کنندهٔ روابط سازنده در اجتماع و جلوگیری‌کننده از بسیاری از انحرافات اخلاقی و رفتاری شناخته شده است (طالبان، ۱۳۷۸ش، ص ۱۲۷).

انسانی که پنج بار در شبانه‌روز نماز می‌گذارد و در برابر خدا سجده می‌کند و به یاد نعمت‌های او می‌افتد و از او کمک می‌جوید، به همان اندازه‌ای که این نماز در روح او تأثیر می‌گذارد و به همان اندازه‌ای که کمال می‌یابد و از روح عبادت برخوردار می‌شود، او را از کارهای زشت و ناپسند باز می‌دارد (رضائی اصفهانی و دیگران، ۱۳۹۱ش، ج ۷، ص ۲۴۳) یعنی نماز به صورت تکوینی و تشریحی انسان را از کارهای زشت نهی می‌کند، نهی تشریحی نماز، همان صحت و کمال نماز مشروط به ترک گناهان است و نهی تکوینی، یعنی نماز ذاتاً اثر بازدارندگی از گناهان دارد (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۷ش، ج ۱۶، ص ۲۸۶).

عبادت؛ عبارت است از نهایت تعظیم و آن فقط شایسته خدا، زیرا نهایت تعظیم در مورد کسی روا است که نهایت انعام کند و آن خداوند است (سجادی، ۱۳۷۳ش، ج ۲، ص ۱۲۳۶). تا زمانی که به دلیل‌های استوار و محکم ثابت نشود که این جهان را صناعی است یکتا و یگانه و اینکه او خدای آفریننده‌ای است که از هر جهت بی‌نیاز مطلق است و بندگان خود را به بعضی دستورات فرمان داده و از بعضی اعمال نهی کرده است. بنده تا زمانی که طوق اطاعت و فرمانبرداری خدا را در تکلیف‌هایی که برای او قرار داده گردن نگیرد، نمی‌تواند به لوازم مفاد آیة مبارکه «ایاک نعبد» قیام کند (میرجهانی طباطبایی، بی‌تا، ص ۵۱).

طبیعت نماز از آنجا که انسان را به یاد نیرومندترین عامل بازدارنده، یعنی اعتقاد به مبداء و معاد می‌اندازد، دارای اثر بازدارندگی از فحشا و منکر است. انسانی که به نماز می‌ایستد، تکبیر می‌گوید، خدا را از همه چیز برتر و بالاتر می‌شمرد، به یاد نعمت‌های او می‌افتد، حمد و سپاس او می‌گوید، او را به رحمانیت و رحیمیت می‌ستاید، به یاد روز جزای او می‌افتد، اعتراف به بندگی او می‌کند، از او یاری می‌جوید، صراط مستقیم از او می‌طلبد و از راه کسانی که غضب بر آنها شده و گمراهان به خدا پناه می‌برد (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۷ش، ج ۱۶، ص ۲۸۴).

فرد مؤمن و نمازخوان در نمازهای واجب روزانه ده بار از خداوند هدایت به سوی راه مستقیم را طلب می‌کند. راه مستقیم همان راهی است که انسان را با شتابی فراوان به سوی خدا می‌برد. صراط مستقیم، صراطی است که در آن مسائل روحی و معنوی و معرفتی مطرح است (دشتی، ۱۳۹۱ش، صص ۱۰۱ و ۱۰۶).

مفاد این آیه راهنمایی خواستن از خدا است برای ثابت بودن و استقامت در راه بندگی کردن و کمک از خدا خواستن برای منحرف نشدن از راه راست و این معنی میسر نمی‌شود، مگر از راه استدلال و اقامه حجت‌ها و دلیل‌ها و راه استدلال و اقامه حجت هم بی‌نهایت است، زیرا که هیچ ذره‌ای از ذرات عالم علوی و سفلی نیست، مگر اینکه شاهد صدق و گواه حق است بر کمال قدرت، علم، حکمت، عزت، وحدانیت و صمدانیت خدای تعالی (میرجهانی طباطبایی، بی‌تا، ص ۵۲). درخواست هدایت به صراط مستقیم مهمترین خواسته انسان عارف به مقام الاهی است و انسان همواره نیازمند هدایت‌های الاهی است. یکتاپرستی و تنها از خدایاری جستن، صراط مستقیم است، ایمان به خدا و صفاتش

صراط مستقیم است، دعا به درگاه خدا، نقش مؤثری در دستیابی به هدایت دارد (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶ش، ص ۳۷). منظور از هدایتی که اینجا انسان درخواست می‌کند، هدایت تکوینی است نه تشریحی، زیرا انسان نمازگزار قطعاً آشنا به مبدأ و تعالیم دینی است، از آنجا که ممکن است در هر لحظه انسان به خاطر عواملی از صراط مستقیم منحرف و گمراه شود، به علاوه این صراط مستقیم که همان آمین حق است، مراتب و درجاتی دارد که همه افراد در پیمودن این درجات یکسان نیستند، هر مقدار از این درجات را انسان طی نماید، باز درجات بالاتر و والاتری وجود دارد که انسان باید از خدا بخواهد او را به آن درجات هدایت کند (دهقان، بی‌تا، ص ۱۵).

در سوره مبارکه حمد، خدای سبحان انسان‌ها را به سه دسته تقسیم کرده است، یک عده نعمت داده‌شدگان هستند، یک عده غضب‌شدگان و یک عده هم گمراهان. آنچه به عنوان سعادت است، به خداوند نسبت داده شده و فرموده: ﴿صراط الذین انعمت علیهم﴾، یعنی: راه کسانی که تو بر آن‌ها نعمت دادی. اما آنچه که زمینه شقاوت است به نام غضب یا ضالت، به خدا نسبت ندارد. اما اینکه غضب‌شدگان و گمراهان چه کسانی هستند؟ گرچه در بعضی روایات ﴿مغضوب علیهم﴾ غضب‌شدگان به یهودیان و ﴿ضالین﴾ گمراهان به مسیحیان اطلاق شده است، لیکن از باب تطبیق است. زیرا هر دو مغضوب علیهم و هر دو ضالین هستند. اینطور نیست که غضب شده گمراه نباشد و یا گمراه، غضب شده نباشد. هر گمراهی، به مقدار گمراهیش گرفتار غضب الهی است و نیز هر انسان غضب شده‌ای به مقدار مغضوب بودنش گمراه است (میرزاخانسی، ۱۳۶۹ش، ج ۱، ص ۱۳۹).

آری خداوند اینچنین افراد ناسپاس و کفرپیشه را که از نعمت هدایت الهی که توسط پیامبران فرستاده شده است، پیروی نمی‌کنند، مورد غضب قرار می‌دهد تا متقین با شعار ﴿غیر المغضوب علیهم﴾ از راه آنان بپرهیزند (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۷ش، صص ۴۹۴-۴۹۳).

﴿مغضوب علیهم﴾ آن‌هایی هستند که علاوه بر کفر، راه لجاجت و عناد و دشمنی با حق را می‌پیمایند و هم‌گمراه هستند و هم گمراه‌گر و با تمام قوا می‌کوشند که دیگران را هم‌رنگ خود سازند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۰ش، صص ۵۴ و ۵۶).

خصلت نماز درست این است که انسان را از کارهای زشت باز می‌دارد. اگر دیدی نماز می‌خوانی و در عین حال معصیت می‌کنی، بدان که نمازت نماز نیست، پس نمازت را درست کن (مطهری، ۱۳۸۸ش، ص ۹۱).

در دین اسلام، به‌عنوان کامل‌ترین دین الهی نماز به عنوان زیر بنای پذیرش کلیه اعمال خیر انسان یاد شده است. (نوری، ۱۴۱۵ق، ح ۱۰، ص ۲۲). خداوند اقامه نماز را وظیفه لایتنجیر و ثابت هر انسان در هر شرایط محیطی و فردی قرار داده است؛ به طوری که بیش از ۱۲۲ آیه قرآن کریم به این موضوع اختصاص دارد (یعقوبی و دیگران، ۱۳۹۲ش، ص ۱۸۸).

نمازگزار به واسطه نماز از همه بدی‌ها پاک است و هرکس که نمازگزار است، پاکیزه‌خوی و نیکورفتار است. نشانه کمال نماز انسان، همان بازدارندگی است (کمالی، ۱۳۸۱ش، صص ۲۸-۲۶). از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده؛ کسی که مطیع نماز نباشد نمازش کامل نیست و اطاعت از نماز همان دوری از فحشا و منکر است (مجلسی، ۱۳۷۶ش، ج ۸۲، ص ۱۹۸).

قرآن از نماز به عنوان یک نیروی بازدارنده از زشتی‌ها و پستی‌ها یاد می‌کند «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ» (العنکبوت، ۴۵). یعنی: نماز انسان را از زشتی‌ها و اعمال ناپسند باز می‌دارد. در مجموع می‌توان گفت نماز یک عامل اساسی خودسازی به معنای انسان‌سازی به شمار می‌رود (مطهری، ۱۳۹۰ش، ص ۹۷).

در این مقاله، نقش نماز در فساد اقتصادی به عنوان یکی از عوامل بازدارنده رشد و شکوفایی جامعه و افراد مورد بررسی قرار گرفته است؛ چرا که نقش بی‌بدیل نماز، بازدارندگی از فحشا و منکر می‌باشد و نمازگزار به‌واسطه اینکه حضور خداوند را در تمام لحظات زندگیش درک می‌نماید، خود را مکلف به پرهیز از این مفاسد می‌بیند.

امام رضا علیه السلام در حدیثی طولانی، چند اثر از آثار نماز را چنین بیان می‌کند:

۱. انسان در حال نماز در پیشگاه خداوند و به یاد خداست و همین حالت است که او را از گناهان باز می‌دارد و از

انواع تباهی‌ها جلوگیری می‌نماید.

۲. نماز انسان را به مداومت بر ذکر خدا در شب و روز بر می‌انگیزاند تا بنده؛ مولا و آقا، مدبر و آفریدگارش را فراموش نکند؛ چرا که فراموش کاری موجب طغیان و سرکشی خواهد شد (مجلسی، ۱۳۷۶ش، ج ۸۲، ص ۲۶۱).

احمدی طاهری در تحقیقی با عنوان «تأثیر نماز بر رفتار و منش انسان» چنین بیان می‌دارد که اثرات نماز بر رفتار و زندگی یک نمازگزار واقعی به خوبی قابل مشاهده است؛ مهمترین آثار نماز بر زندگی انسان شامل تعظیم به خدا و تحقیر تمام قدرت‌های دنیوی، خودسازی، زدودن گناهان، تمرکز حواس و حضور در ذهن، توسعه و رشد اقتصادی و... می‌باشد (همو، ۱۳۸۹ش، ص ۱۰).

همچنین، قرائتی در تحقیقی با عنوان «ریشه‌های گناه و راهکارهای مقابله با آن از منظر قرآن و روایات» چنین بیان می‌دارد که ایمان به خدا و اعتقاد و آگاهی او بر همه چیز و حضور او در همه جا چنان نیرویی در انسان در برابر گناه، به وجود می‌آورد که او را در برابر گناهان همچون سپری فولادین نفوذناپذیر می‌کند. ایمان درونی می‌تواند نقش خلل‌ناپذیری در بازداری انسان از گناه آشکار و پنهان ایفا کند. غفلت و سرمستی یکی از عوامل زمینه‌ساز گناه است و یاد خدا از عوامل بازدارنده می‌باشد. اصولاً مسلمانی که می‌خواهد نماز، روزه یا حج را به جا آورد، مراقب است تا آنچه که موجب بطلان عبادات است، انجام ندهد. همین مواظبت یک نوع تمرین برای تقویت اراده و پرورش استقامت در برابر گناهان است؛ چرا که مقدار پرهیز از گناه به مقدار اراده و استقامت انسان‌ها بستگی دارد (همو، ۱۳۹۰ش، ص ۱۴۴).

در تحقیقی با عنوان «نجات‌شناسی از دیدگاه مسیحیت و اسلام» آمده است که ایمان و عمل صالح از مهمترین عوامل سعادت و رستگاری بشر و سرمایه اصلی نجات و کلید درب‌های بهشت معرفی شده است. تعبیر ایمان و عمل صالح چنان گسترده است که تمام مراحل ایمان به خدا و سایر مبانی اعتقادی (اعم از اصول و فروع دین) از یک سو و انجام هر گونه کارهای شایسته فردی، اجتماعی، سیاسی و عبادی اعم از مستحب و واجب و ترک تمام کارهای زشت و ناپسند اعم از حرام و مکروه را سوی دیگر شامل می‌شود. از جمله مصادیق ایمان و عمل صالح در قرآن کریم، تقوا،

احسان و نیکوکاری، صبر و شکیبایی در برابر شدائد و شکیبایی در راه خدا و اهتمام به اقامه و حفظ نماز است (طالبی، ۱۳۸۳ش، صص ۱۱۶ و ۱۲۰).

۲. نماز بزرگ‌ترین عامل تربیت

نماز یک ارتباط روحی و معنوی است و هدف از آن یاد خداست (طه، ۱۴). اسلام خواسته است این روح را در قالب یک سلسله برنامه‌های تربیتی پیاده کند، لذا شرایط زیادی را برای آن قرار داده است تا یک نمازگزار درس نظافت، پاکیزگی، استقلال و مراعات حقوق دیگران را بدهد.

۱.۲. تربیت

تربیت به معنی پروردن، پروراندن، آداب و اخلاق را به کسی آموختن تعریف شده است (معین، ۱۳۸۵ش، ص ۳۵۰). به عقیده اخوان الصفا مجموع اموری که در سازندگی شخصیت روحانی انسان دخالت دارد، تربیت نامیده می‌شود (سجادی، ۱۳۷۳ش، ج ۱، ص ۵۰۵).

تربیت دارای اهداف مختلفی می‌باشد که یکی از آنها، اهداف رفتاری است و یکی از زیرمجموعه‌های هدف رفتاری تربیت، هدف اقتصادی می‌باشد.

از جمله اهداف اقتصادی تربیت می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱. رعایت دقیق موازین شرعی و مقررات قانونی در روابط اقتصادی و پرهیز از مال حرام، ویژه‌خواری و رانت‌خواری.

۲. پرداخت نفقات واجب، وجوهات شرعیه و مالیات‌های قانونی و پرهیز از فعالیت‌های اقتصادی کاذب، مانند: ذخیره کردن سرمایه و احتکار کالا.

۳. انفاق (صدقه، وقف، قرض الحسنه و کمک مالی در امور خیریه و عام المنفعه).
۴. استفاده از ثروت برای رفع فقر، استقلال اقتصادی و خدمت به جامعه اسلامی و شکوفایی آن در جهت تعالی معنوی.
۵. میانه‌روی در مصرف و پرهیز از چشم و هم‌چشمی و اسراف و تبذیر.
۶. رعایت عدالت، انصاف و مواسات در امور اقتصادی.
۷. ایجاد اشتغال و فراهم کردن فرصت مناسب کار برای دیگران.
۸. مبارزه با فساد مالی و تدبیر معیشت (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۱ش، صص ۲۷۵-۲۶۹).

از آنجا که انسان برای ادامه حیات نیاز به خوراک، پوشاک، بهداشت و مسکن دارد، لذا نقش و اهمیت آن در مکتب اسلام نادیده گرفته نشده است. در قرآن کریم به صراحت بیان شده است که آنچه در زمین و آسمان‌ها است، مسخر انسان گردیده است: ﴿وَسَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِّنْهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾ (الجاثیه، ۱۳).

لذا انسان بر حسب وظیفه مکلف به بهره‌وری از آنهاست. تربیت عامل نیرومندی در تمام زمینه‌ها از جمله زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی، دینی و عاطفی می‌باشد و از طرفی هم اقتصاد عامل مهمی برای ادامه حیات و وسیله‌ای برای نگهداری آبرو و شرف است. عواملی چون، توزیع عادلانه ثروت، مصرف اقتصادی، انتخاب حرفه‌ای مناسب برای کسب و درآمد مشروع، طرد فساد اقتصادی به عنوان عامل فشار و تخریب جامعه از وظایف بعد اقتصادی تربیت است. در زمینه اقتصادی بایستی فرد طوری پرورش یابد که مهارت‌های لازم برای بهره‌گیری از طبیعت را داشته باشد و بتواند در اداره زندگی رو پای خود بایستد و ارزش کار را دریابد و از لذت‌ها و نعمت‌های جهان سود ببرد. یکی از این جنبه‌های

تربیتی، تأکید بر نقش نماز است که ضمن بهره معنوی و ادای فریضه، تأثیرمهم آن در بازدارندگی از فحشا و بدی‌ها مد نظر می‌باشد.

۲.۲. آثار تربیتی نماز

نماز بازدارنده از بدی‌ها (العنکبوت، ۴۵)، مایه نزدیکی هر پرهیزگار به خدا (پاینده، ح ۵۱۱)، پاک‌کننده گناهان (نوری، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۱۶)، و معیار سنجش اعمال (پاینده، ح ۵۱۲) است. از آنجا که ایمان متشاء عبادت است و عبادت هم تقویت‌کننده ایمان است. روح عبادت تذکر است یعنی غافل نگشتن از خدا و به یاد وی بودن (راشدی، ۱۳۸۰ش، صص ۱۱۶-۱۱۵).

مسأله فلاح و رستگاری و نائل شدن به حیات طیبه، سعادت‌مندی و جاودانگی و نیز نجات از هرگونه درد، رنج، فنا و نابودی، نه تنها یکی از دغدغه‌های مهم، بلکه از امور فطری بشر در طول تاریخ حیات وی بوده است. هبوط در این دنیای فانی و پر از آفت و شرور و مشاهده انواع آلام و رنج‌های دنیای مادی و فکر رهایی از یک وضعیت نامطلوب و یافتن راهی برای پاسخ به نیازهای روحی و معنوی و ناتوانی و عجز علم و تکنولوژی در برآورده کردن این نیازها از یک سو و سؤالات اساسی بشر درباره مفهوم نهایی حیات، رابطه انسان با خدا به عنوان سرچشمه حیات و اصل تمام کمالات متعالی و سؤالات اساسی دیگر درباره هدف و غایت زندگی و چگونگی کسب حیات طیبه و جاودان و رسیدن به رستگاری حقیقی از سوی دیگر، موجب شد اندیشه نجات برای ابنای بشر روز به روز اهمیت فوق‌العاده‌ای پیدا کند (طالبی، ۱۳۸۳ش، ص ۱۰۸).

۳.۲. ارزش نماز

گرچه نماز در منظر بسیاری از عاملین و ناظرین تصویری جز یک عمل تعبدی و مورد هدف رهبان‌ها ندارد، که صرفاً برای نمایش خضوع و کرنش در ارتباط با خالق ایفای نقش می‌کند. اما بررسی آداب، شرایط مضامین و هویت این

عبادت بزرگ ضمن تأیید آن به عنوان یک امر تعبدی، آن را عاملی برای اصلاح نفس انسان‌ها و کنترل نظامات عمومی جامعه معرفی می‌کند.

نماز برای کسانی که درک صحیح از مقام ربوبی داشته باشند و بزرگی و بی‌نیازی خالق را باور کنند و بدانند که صبر و صلاة یک نیروی کمکی برای پیشبرد امور و نیل به مقاصد و تعالی خود آن‌هاست نه کمکی به ربوبیت رب، کار دشواری نیست (رضوان‌طلب، ۱۳۷۵ش، صص ۲۲-۲۱).

نیایش انسان و گرایش او به خداوند؛ ارمغانی الهی و معمایی راز دار است. فطرت انسان آمیزه‌ای از رازجویی و شعوری است که هیچ‌گاه از او جدا نمی‌شود.

اگر انسان این ندای فطرت را پشت سر اندازد و عنان خویش گسسته و سرکشی کند، در کوران گمراهی و پیچ و خم‌های سر درگم، باز این منادی الهی است که او را به چالش می‌گیرد و به او هشدار می‌دهد و به راه راست فرا می‌خواند^۱ (جوادی آملی، ۱۳۸۶ش، ص ۱۳).

نماز حائلی از طرف خداوند در روی زمین است، که از منافع آن دوری از گناه و فواحش است. در واقع نماز در خلوت و جلوت نمازگزار را تربیت می‌کند و او را از گناه دور می‌سازد. البته آن نمازی این تأثیر را دارد که فرد نمازگزار مفاهیم عالی آن را در خود جریان دهد، به نحوی که نماز او را بسازد. مگر نه این است که فرد نمازگزار مکرر می‌گوید: «اهدنا الصراط المستقیم». یعنی اگر نمازگزار فقط خود را با همین یک آیه تطبیق دهد، در واقع خود را از تمام منهیات و فحشا و منکر بازداشته است.

۳. اقتصاد

اقتصاد؛ به معنی به اندازه خرج کردن، تعادل دخل و خرج را حفظ کردن (معین، ۱۳۸۵ش، ص ۱۴۲). عبارت است از شناخت، ارزیابی و انتخاب روش‌هایی که بشر برای تولید و توزیع کالا و خدمات، از منابع محدود یا غیر آماده به منظور مصرف به کار می‌گیرد (عبداللهی، ۱۳۹۰ش، ص ۲۵). لذا با توجه به نیاز بشر به مسائل اقتصادی و همچنین جامع و کامل بودن دین اسلام در این رابطه، بایستی زمینه‌هایی به کار بست تا فرامین دینی و آشنایی با واجبات و محرمات اقتصادی برای داشتن زندگی آرام همراه با رعایت موازین شرعی مدنظر قرار گیرد (اکبری، ۱۳۸۷ش، صص ۴۷-۴۵). در واقع دانش، بینش و ارزش‌های اقتصادی در این مسأله مطرح است که آیا به لحاظ شرعی کسی که نماز می‌خواند، درصدد برمی‌آید که خویش را از مسیر اقتصادی منحرف نماید؟ کسی که نماز می‌خواند، از فسادهای مالی پرهیز می‌کند؟ لذا نه ضرر می‌بیند و نه ضرر می‌رساند و از افتادن سایه فقر بر سر عده‌ای حذر می‌کند و از طرفی همین که افراد بتوانند به حقوق مالی خود دست یابند و کمتر دچار فقر شوند. بنا به فرمایش امام علی علیه السلام که می‌فرمایند: هرکس به فقر دچار شود، به چهار چیز دچار شده است ... از جمله سستی در دین و یقین (مجلسی، ۱۳۷۶ش، ج ۶۹، ص ۴۷)؛ از رخوت و سستی در دین هم جلوگیری می‌شود.

۱.۳. ارکان حیات اقتصادی

اسلام، مال و ثروت را عطایی الهی معرفی نموده است: **﴿قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ﴾** (الأعراف، ۳۲). یعنی: بگو چه کسی زینت‌های الهی را که برای بندگان خود آفریده و روزی‌های پاکیزه را حرام کرده است؟ و به عنوان یک عامل مؤثر، کارساز و قابل تکیه جهت وصول به اهداف متعالی معرفی می‌نماید و آن را مایه قوام جامعه انسانی می‌داند و مردم را موظف می‌دارد که به وسیله استفاده صحیح از اموال و دارایی‌ها آن‌ها را منشأ تولید مایحتاج بشری قرار دهد و نیازهای ضروری دنیوی را برطرف سازد.

ارکان مهم حیات اقتصادی در جوامع بشری داد و ستد بین آن‌ها است و زندگی بدون معامله و تجارت ناممکن است؛ که اسلام ضمن مشروع دانستن آن مقررات بسیاری را در این زمینه وضع نموده و با جایز دانستن کسب سود در انواع معاملات رعایت عدالت و تأمین حقوق دو طرف را لازم شمرده و کم‌فروشی را ممنوع دانسته (المطففین، ۱)، ربا (آل عمران، ۱۳۱) را تحریم کرده است (دادگر و معصومی نیا، ۱۳۸۳ش، صص ۱۳۳-۱۳۰).

۲.۳. مفاسد اقتصادی

مفاسد اقتصادی، نوعی انحراف از ضوابط شرعی در تخصیص منابع، توزیع درآمد، بازار و خدمات است و آسیب‌های جبران‌ناپذیری نظیر فقر، شکاف طبقاتی، تبعیض و تضییع حقوق مردم، رانت‌خواری و انحطاط اخلاق فردی و اجتماعی را در بر دارد. از مطالعه منابع دینی می‌توان تحکیم ارزش‌های معنوی، اخلاقی و توسعه معنویات، برپایی عدالت اجتماعی، دستیابی به خودکفایی و استقلال مالی و توسعه رفاه عمومی را به عنوان عمده اهداف اقتصادی حکومت اسلامی بر شمرده (یامی، ۱۳۹۱ش، صص ۱۰۲ و ۱۰۵). به عبارت دیگر مفاسد اقتصادی عبارتند از هر گونه سوء استفاده مالی از مقام و موقعیت خود یا خویشان از طرفی و از فرصت‌های بادآورده‌ی اقتصادی، حتی بدون سوء نیت از طرفی دیگر است؛ توضیح آنکه، اگر شخص یا شخصی به خاطر رانت‌های مقامی (مدیریتی، وارداتی و یا موقعیتی) دست به جمع‌آوری مال از بیت‌المال بزند، این امر را می‌توان مصادیقی از مفاسد اقتصادی دانست (باهر، ۱۳۸۴ش، ص ۲۰).

برخی از مصادیق مفاسد اقتصادی که از جهت زمینه‌سازی بروز شیوع سایر مفاسد سوء تأثیر بیشتری را دارا هستند، عبارتند از: ربا، احتکار، اسراف، غصب، رشوه و سرقت.

۱.۲.۳. ربا

ربا؛ سود یا ربحتی که داین از مدیون می‌ستاند (معین، ۱۳۸۵ش، ص ۵۷۶) تعریف شده است. ربا در اصطلاح فقها،

گرفتن زیادی در معامله اشیای ربوی و یا در قرض می‌باشد و گاهی نیز به خود معامله‌ای که مشتمل بر زیادی باشد نیز ربا گفته می‌شود (فراهانی فرد، ۱۳۷۸ش، ص ۱۲۶). خداوند متعال در آیات ۲۸۰-۲۷۵ سوره بقره در مذمت امر رباخواری، تشدید فرموده که درباره هیچ یک از فروع دین نکرده است، مگر یک مطلب که تشدید در آن نظیر تشدید در امر ربا است و آن این است که مسلمانان دشمنان دین را بر خود حاکم سازند و اما بقیه گناهان کبیره، حتی زنا، شرب خمر و ظلم و گناهی بزرگ‌تر از این‌ها مثل کشتن افراد بی گناه، ملایم‌تر از تشدید در آن دو گناه (ربا و حاکم ساختن دشمنان بر خود) است (وزیری فرد، ۱۳۷۶ش، ص ۹۷).

﴿يُمَحِّقُ اللَّهُ الرَّبَا وَيُرِي الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ؛ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ؛ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ؛ فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِن تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ؛ وَإِن كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ وَأَن تَصَدَّقُوا خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ (البقره، ۲۷۶-۲۸۰). یعنی: خدا از برکت ربا می‌کاهد و بر صدقات می‌افزاید، و خداوند هیچ ناسپاس گناهکاری را دوست ندارد. کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده و نماز بر پا داشته و زکات داده‌اند، پاداش آنان نزد پروردگارشان برای آنان خواهد بود و نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می‌شوند. ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا پروا کنید و اگر مؤمن هستید، آنچه از ربا باقی مانده است واگذارید؛ و اگر چنین نکردید، بدانید به جنگ با خدا و فرستاده وی، برخاسته‌اید و اگر توبه کنید سرمایه‌های شما از خودتان است، نه ستم می‌کنید و نه ستم می‌بینید؛ و اگر بدهکار تنگدست باشد، پس تا هنگام گشایش مهلتی به او دهید و اگر به راستی قدرت پرداخت ندارد، بخشیدن آن برای شما بهتر است، اگر بدانید.

۱.۲.۳. احتکار

احتکار، در لغت احتباس شی است از جهت نایاب بودنش (سجادی، ۱۳۷۳ش، ج ۱، ص ۸۷)، انبار کردن کالا برای فروش به هنگام گرانی و کمیابی (معین، ۱۳۸۵ش، ص ۷۸).

در احتکار جمع کردن حتمی است و مخفی کردن نیز از ویژگی‌های بارز آن است. به ندرت ممکن است احتکاری واقع شود و به نوعی تیشه به ریشه نظام حکومتی نزند، به خصوص آنکه دشمنان اسلام غالباً قدرت‌های پولی و سردمداران محترکان بزرگ کالاها در جهان هستند (وزیری فرد، ۱۳۷۶ش، صص ۷۵-۷۳).

۱.۲.۳. اسراف^۱

اسراف از ریشه (س ر ف) به معنای تجاوز کردن از حد در هر کاری است که از انسان سر بزند. گرچه استعمال آن در موارد زیاده‌روی در انفاق مال، بیشتر است و گاهی به خروج از اعتدال در مقدار خرج مالی و زمانی هم به چگونگی بذل مال اطلاق می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۰۷). در سوره اعراف آیه ۳۱ در مورد اسراف چنین بیان شده است: ﴿کلوا و اشربوا و لا تسرفوا انه لا یحب المرفین﴾، یعنی: بخورید و بیاشامید ولی اسراف نکنید، خدا اسراف‌کاران را دوست ندارد.

کلمه اسراف تنها یک واژه اقتصادی نبوده و کاربرد آن منحصر به امور مالی نیست، بلکه این واژه قبل از آن که نشانه جرمی در امور اقتصادی باشد، بیانگر وضعیت نامناسب و غیر معتدل اخلاقی و فرهنگی شخص و یا جامعه مسرف است و آن حالت تجاوزگری و بی‌اعتنایی به قوانین و حدود ناخسته شده شرعی و انسانی است (موسوی کاشمری، ۱۳۸۸ش، ص ۳۲).

۱.۲.۳. غصب

غصب، در لغت به معنی به زور گرفتن چیزی را یا به ستم اخذ کردن آمده است (معین، ۱۳۸۵ش، ص ۸۸۳). در اصطلاح فقهی به معنی دریافت مال به زور می‌باشد، اعم از آن که مالک مقاومت کند یا نه، لکن نزد فقها غصب، گرفتن مال است از صاحبش با زور و به طور آشکارا (سجادی، ۱۳۷۳ش، ج ۲، ص ۱۳۷۵).

۱.۲.۳. رشوه

رشوه، به معنی دادن مال به کسی برای انجام دادن مقصود خود و یا آنچه که به کسی داده شود تا کار سازی ناحق کند (معین، ۱۳۸۵ش، ص ۵۸۶). در اصطلاح فقهی چیزی است که به وسیله آن می توان به حاجت رسید و در شریعت چیزی است که گیرنده از روی ستم می ستاند و برای دهنده چاره ای نباشد مگر آن را بدهد (سجادی، ۱۳۷۳ش، ج ۲، ص ۹۱۰). یکی از بلاهای بزرگ که همیشه دامنگیر بشریت بوده، رشوه خواری است که مانع بزرگ اجرای عدالت اجتماعی است. در اسلام، رشوه خواری شدیداً سرزنش و محکوم شده و یکی از گناهان بزرگ به شمار آمده است (دستغیب، ۱۳۸۸ش، ج ۱، ص ۳۸۶).

باز هم اشاره می شود که نماز بازدارنده از بدی ها است، و نماز گزار واقعی از تمام این مفساد کناره می گیرد.

۱.۲.۳. سرقت

سرقت، دزدی کردن (معین، ۱۳۸۵ش، ص ۶۷۰). و در اصطلاح فقهی دزدی بر دو قسم است: یکی آن که زیانش به صاحب مال عاید شود و دیگر آنکه علاوه بر آن، برای عامه مسلمانان هم زیان آور باشد که اولی را سرقت صغری و دومی را سرقت کبری می نامند (سجادی، ۱۳۷۳ش، ج ۲، ص ۹۹۶).

۳.۳. تأثیرات مفساد اقتصادی

در باب حرمت مال، در آیه ۲۹ سوره النساء، چنین آمده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِّنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا﴾. یعنی: ای اهل ایمان، مال یکدیگر را به ناحق مخورید مگر آنکه تجارتي باشد که از روی رضا و رغبت کرده (و سودی برید)، و یکدیگر را نکشید، که البته خدا به شما بسیار مهربان است. همچنین پیامبر اکرم ﷺ فرموده اند: حرمت مال مسلمان، همچون حرمت خونش است (پاینده، ح ۱۹۱۵).

با تأسی به آیه شریفه و حدیث پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌توان به این مهم اشاره نمود که مال نقش حیاتی و مهمی در زندگی هر فرد دارد، ولی آنچه مهم است، حلال بودن مال است؛ چنانچه پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرمایند: هر کس در دنیا مال حلالی به دست آورد و به درستی خرج کند، خداوند او را پاداش می‌دهد و به بهشت می‌برد و هر کس مال حرامی به دست آورد و به ناحق خرج کند، خدا او را به جهنم می‌برد (پاینده، ح ۳۹۷).

در این حدی مرز بین بهشت و جهنم، مال حلال و حرام معرفی شده است. بایستی دقت داشت که داشتن مال به خودی خود اثر منفی ندارد، بلکه مایه قوام و سامان امور زندگی می‌شود، ولی مسأله این است که مال‌اندوزی بی‌رویه و کسب آن از طریق نامشروع به آن بار منفی می‌دهد. ارزش مال از تلاشی که برای کسب آن صورت گرفته است، حاصل می‌شود؛ چه بسا اموالی که بر اثر روابط و خارج از ضوابط، به قیمت پایمال کردن حقوق دیگران به دست می‌آیند. اگر همگان به این پیام الهی باور داشته باشند که «لیس للانسان الا ماسعی» (النجم، ۳۹)؛ هرگز در پی کسب مال خارج از چارچوب مجاز نمی‌روند و به شیوه‌های غیر اخلاقی متوسل نمی‌شوند و ریشه‌های فساد خشکانده می‌شود؛ چرا که از دست یازیدن به دزدی، غصب، ربا، رشوه و ... حذر می‌کنند.

تمام مفاصد اقتصادی، به اندازه‌ای که اموال با‌آآورده‌ای را برای عده‌ای به بار می‌آورد، ارمغان فقر تحمیلی بر عده‌ای می‌باشد، که خود این فقر نیز زمینه‌ساز مفاصد اقتصادی می‌باشد. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده‌اند: «كاد الفقر أن يكون كفرا» (پاینده، ح ۲۱۵۷) و این چرخه دائماً در گردش است؛ زمانی که فقر و به تبع آن کفر حکمفرما شود، آدمی به ورطه سقوط جسمی و روحی کشانده می‌شود. لذا بایستی در جوامع علی‌الخصوص جوامع اسلامی که مزین به نام اسلام هستند، نسبت به اقامه فریضه نماز و اشراف بر ارزشمندی آن و نهادینه کردن آن، تلاش وافر گردد؛ چرا که نماز ستون دین است و بازدارنده از زشتی‌ها و بدی‌ها.

تأکید این پژوهش بر این است که از طرفی با توجه به پیامدهای منفی و نگران‌کننده مفاصد اقتصادی که یکی از منکرات می‌باشد؛ و از طرف دیگر با توجه به نقش بازدارنده نماز از زشتی‌ها، فرد مسلمان نسبت به انجام این مهم کوتاهی نورزند، چرا که نماز علاوه بر فریضه بودن نوعی تذکر نیز می‌باشد؛ چرا که نمازگزار روزانه پنج بار به خود تذکر

می‌دهد و از خدا هدایت در صراط مستقیم و دوری از راه مغضوبین و ضالین را طلب می‌نماید؛ و در قرآن کریم نیز به تذکر سفارش شده است که پند برای مؤمنان سودمند است ﴿وَذَكِّرْ فَإِنَّ الذِّكْرَى تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (الذاریات، ۵۵).

۴. نتیجه‌گیری

فساد اقتصادی، هزینه انجام کارها را افزایش می‌دهد، همچنین موجب ناکام ماندن تلاش‌های فقرزدایی، از بین رفتن سرمایه اجتماعی و ایجاد بی‌انگیزگی و بدبینی در اجتماع می‌گردد و زمینه تضعیف روحیه افراد درستکار را فراهم می‌آورد.

نماز بهترین راه کنترل نفس سرکش است که انسان روزی چند مرتبه آن را در نزد خداوند احضار و غفلت‌زدایی می‌کند تا از غرق شدن در منجلاب مادیات نجاتش دهد. نماز به صورت تکوینی و تشریحی انسان را از کارهای زشت منع می‌کند، اما این ممنوعیت درجاتی دارد و هر نمازی مرتبه‌ای از فحشا و منکر را دور می‌سازد و نمازگزار را مرحله به مرحله پاک می‌سازد. لذا با توجه به اثرات شوم مفساد اقتصادی در عرصه‌های توسعه اجتماعی، توسعه انسانی، توسعه اقتصادی و استضعاف حق مستضعفان و عامه مردم و از طرف دیگر نقش تربیتی مهم نماز در پیشگیری از جرائم و فساد توصیه می‌شود. هر چه بیشتر به تقویت باورها و تقیدات درونی، نظارت فردی و نظارت اجتماعی توجه شود، چرا که پیروزی در موضع مبارزه با مفساد اقتصادی، تضمین سلامت ملت است. سلامت ملتی اسلامی که داعیه‌دار حکومت مصلح جهانی حضرت مهدی علیه السلام می‌باشد.

منابع

۱. قرآن مجید، ترجمه: محمد مهدی فولادوند، ۱۳۷۸ ش.
۲. احمدی طاهری، نفیسه، تأثیر نماز بر رفتار و منش انسان، نشریه بشارت، شماره ۷۸، سال سیزدهم، ۱۳۸۹ ش.
۳. اکبری، محمد رضا، حافظان حریم امر به معروف در عصر ما، قم: مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۷ ش.
۴. انصاریان، حسین، راهی به سوی خدا، تهران: انصاریان، ۱۳۸۵ ش.
۵. باهر، حسین، مفاسد اقتصادی؛ عوامل و موانع، مجله بانک و اقتصاد، شماره شصت و چهارم، ۱۳۸۴ ش. پ.
۶. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، ترجمه و تدوین: کاظم عادینی مطلق، قم: فراگفت، ۱۳۸۵ ش.
۷. بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم، قرآن ناطق، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۷ ش.
۸. جمعی از نویسندگان، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، تهران: مدرسه، چاپ دوم، ۱۳۹۱ ش.
۹. جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۰ ش.
۱۰. جوادی آملی، عبدالله، رازهای نماز، ترجمه: علی زمانی قمشه‌ای، قم: اسراء، چاپ نهم، ۱۳۸۶ ش.
۱۱. حر عاملی، وسائل الشیعه، محمد بن الحسن، تهران: انتشارات اسلامی، چاپ هشتم، ۱۳۷۳ ش.
۱۲. دادگر، حسن و معصومی‌نیا، غلامعلی، فساد مالی، تهران: کانون اندیشه جوان، ۱۳۸۳ ش.
۱۳. دستغیب، سید عبدالحسین، گناهان کبیره، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۸۸ ش.
۱۴. دشتی، عبدالمجید، تفسیر سوره مبارکه حمد، قم: کریمه اهل بیت علیهم‌السلام، چاپ اول، ۱۳۹۱ ش.
۱۵. دهقان، اکبر، تفسیر سوره حمد - بقره، قم: حرم، بی تا.
۱۶. راشدی، حسن، نماز شناسی، تهران: ستاد اقامه نماز، چاپ دوم، ۱۳۸۰ ش.
۱۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، (سرف)، تحقیق: صفوان عدنان داودی، بیروت: دارالعلم، الدار الشامیه، ۱۴۱۲ ق.
۱۸. رضائی اصفهانی، محمدعلی و دیگران، تفسیر قرآن مهر، قم: دارالعلم، چاپ اول، ۱۳۹۱ ش.
۱۹. رضوانطلب، محمدرضا، پرستش آگاهانه، تهران: ستاد اقامه نماز، چاپ دوم، ۱۳۷۵ ش.

۲۰. سجادی، سیدجعفر، فرهنگ معارف اسلامی، تهران: کومش، چاپ سوم، ۱۳۷۳ش.
۲۱. طالبان، محمدرضا، بررسی نقش تجربی نماز در تقلیل بزهکاری، فصلنامه نیایش، شماره ۳، ۱۳۷۸ش.
۲۲. طالبی، حسن، نجات شناسی از دیدگاه مسیحیت و اسلام، فصلنامه طلوع، سال سوم، شماره دهم و یازدهم، ۱۳۸۳ش.
۲۳. عبداللّهی، محمداسماعیل، جهاد اقتصادی در جهان بینی اسلامی، مشهد: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، ۱۳۹۰ش.
۲۴. فراهانی فرد، سعید، سیاست‌های پولی در بانکداری بدون ربا بررسی فقهی - اقتصادی، قم: مرکز انتشارات و دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۸ش.
۲۵. قرائتی، محسن، ریشه‌های گناه و راهکارهای مقابله با آن از منظر قرآن و روایات، فصلنامه مطالعات تفسیری، سال دوم، شماره ۵، ۱۳۹۰ش.
۲۶. کمالی، منصور، زیباترین پرواز، ماهیت و برخی اوصاف نماز، کرمان: ودیعت، ۱۳۸۱ش.
۲۷. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، تهران: کتابفروشی اسلامیة، چاپ سوم، ۱۳۷۶ش.
۲۸. مطهری، مرتضی، انسان کامل، تهران: صدرا، چاپ چهل و چهارم، ۱۳۸۸ش.
۲۹. همو، پنج مقاله، دین و مذهب، احتجاجات قرآن...، تهران: صدرا، چاپ هفتم، ۱۳۹۰ش.
۳۰. معین، محمد، فرهنگ معین، تهران، راه رشد، چاپ دوم، ۱۳۸۵ش.
۳۱. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ پانزدهم، ۱۳۷۷ش.
۳۲. موسوی کاشمری، مهدی، پژوهشی در اسراف، قم: مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۸ش.
۳۳. میرجهانی طباطبایی، محمدحسن، تفسیر ام‌الکتاب، تهران: کتابخانه صدر، بی‌تا.
۳۴. میرزاخانای، حسین، نخستین تفسیر تربیتی اخلاقی، عرفانی، فقهی، فلسفی قرآن کریم، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۹ش.

۳۵. نصیرزاده، راضیه، نصیرزاده، مهدی و نصیرزاده، محمدهادی، *انگیزه‌های نماز خواندن و تأثیر آن بر ادراک محدودیت‌های فردی، اجتماعی و محیطی اقامه نماز در دانشجویان*، فصلنامه فرهنگ در دانشگاه اسلامی، سال سوّم، شماره اول، ۱۳۹۲ش.
۳۶. نوری، حسین بن محمدتقی، *مستدرک الوسائل*، قم: موسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، لاجیاء التراث، ۱۴۱۵ق.
۳۷. وزیری فرد، سید محمد جواد، *مسائل اقتصادی در تفسیر المیزان*، تهران: امیر کبیر، ۱۳۷۶ش.
۳۸. هاشمی رفسنجانی، اکبر، *تفسیر راهنما*، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۶ش.
۳۹. یامی، سمیه، *مفاسد اقتصادی از منظر اسلام*، فصلنامه محفل، شماره ۷، ۱۳۹۱ش.
۴۰. یعقوبی، حمید و دیگران، *بررسی وضعیت گرایش به نماز خواندن در بین دانشجویان بر حسب متغیرهای جمعیت شناختی*، فصلنامه فرهنگ در دانشگاه اسلامی، سال سوّم، شماره دوم، ۱۳۹۲ش.